



## الدَّرْسُ الرَّابِعُ



كَانَ فَرَسٌ صَغِيرٌ مَعَ أُمِّهِ فِي قَرْيَةٍ.



## الدَّرْسُ الرَّابِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۸ کلمه جدید)

غرق شد   غرق می‌شود	غَرِقًا   يَغْرُقُ	آدمیزاد «این: پسر، فرزند»	إِبْنُ آدَمَ
خشم	غَضَبٌ	پیاده می‌روم، راه می‌روم	أَمْشِي
اسب	فَرَسٌ	فقط	إِنَّمَا
نقره	فِضَّةٌ	جَرَّ و بحث	جَدَلٌ
کار، انجام دادن	فِعْلٌ	گناهان، خطاها	خَطَايَا
آینده	قَادِمٌ	«مفرد: خَطِيئَةٌ»	
منظور	قَصْدٌ	دید	شَاهِدًا   يُشَاهِدُ
گفتار	قَوْلٌ	می‌بیند	
دروغ گفت دروغ می‌گوید	كَذَبًا   يَكْذِبُ	ملّت	شَعْبٌ
همچنین	كَذَلِكَ	تشکر کرد   تشکر می‌کند	شَكَرًا   يَشْكُرُ
دوستاناران	مُحِبِّينَ	راست گفت   راست می‌گوید	صَدَقًا   يَصْدُقُ
آزمایشگاه	مُخْتَبِرٌ	مهمانی	ضِيَافَةٌ
مهمان دوست	مِضْيَافٌ	خوشا به حال	طَوْبًا   لِـ
خود «فِي نَفْسِهِ: با خودش»	نَفْسٌ	خوب	طَيِّبٌ
سود رساند   سود می‌رساند	نَفَعًا   يَنْفَعُ	زندگی کرد   زندگی می‌کند	عَاشًا   يَعِيشُ

## التَّجَرِبَةُ الْجَدِيدَةُ

ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است  
تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اسبی کوچک با مادرش در روستایی بود



كَانَ فَرَسٌ صَغِيرٌ مَعَ أُمِّهِ فِي قَرْيَةٍ.

مادر اسب به فرزندش گفت:  
قَالَتْ أُمُّ الْفَرَسِ لَوْلَئِهَا:

مابا انسان زندگی می کنیم و به او خدمت می کنیم  
« نَحْنُ نَعْبُدُ مَعَ الْإِنْسَانِ وَ نَخْدُمُهُ؛

بنابراین از تو می خواهم این کیف را ببری  
لِذَا أَطْلُبُ مِنْكَ حَمْلَ هَذِهِ الْحَقِيئَةِ

به روستای مجاور  
إِلَى الْقَرْيَةِ الْمُجَاوِرَةِ. »

او کیف را می برد و می رود به  
هُوَ يَحْمِلُ الْحَقِيئَةَ وَ يَذْهَبُ إِلَى

روستای نزدیک  
الْقَرْيَةِ الْمُجَاوِرَةِ.

در راهش رودی می بیند  
فِي طَرِيقِهِ يُشَاهِدُ نَهْرًا.

اسب می ترسد و می پرسد از گاوی که ایستاده  
يَخَافُ الْفَرَسُ وَ يَسْأَلُ بَقْرَةً وَاقِفَةً

کنار رود  
جَنْبَ النَّهْرِ:

آیا می توانم عبور کنم؟

« هَلْ أَقْدِرُ عَلَى الْعُبُورِ؟ »

گاو می گوید: بله؛ رود عمیق نیست

الْبَقْرَةُ تَقُولُ: « نَعَمْ، لَيْسَ النَّهْرُ عَمِيقًا. »

سناخاب سخن آنها را می شنود و می گوید: نه ای اسب کوچک، تو غرق خواهی شد در

يَسْمَعُ سَنَابُ كَلَامَهُمَا وَ يَقُولُ: « لَا، أَيُّهَا الْفَرَسُ الصَّغِيرُ، أَنْتَ سَتَغْرَقُ فِي

آب، این رود خیلی عمیق است تو باید برگردی. آیا می فهمی؟

الْمَاءِ، هَذَا النَّهْرُ عَمِيقٌ جِدًّا. عَلَيْكَ بِالرَّجُوعِ. أ تَفْهَمُ؟ »

وَلَدُ الْفَرَسِ يَسْمَعُ كَلَامَ الْحَيَوَانَيْنِ وَ يَقُولُ فِي نَفْسِهِ:

فرزند اسب می شنود صحبت دو جانور را و باخودش می گوید

وبرمی گردد بسوی مارش و بدنبال چاره می گردد  
فَيَرْجِعُ إِلَى الْوَالِدَتِهِ وَ يَبْحَثُ عَنِ الْحَلِّ.

مادر می پرسد: چرا برگشتی؟

الْأُمُّ تَسْأَلُهُ: « لِمَاذَا رَجَعْتَ؟! »

اسب داستان را شرح می دهد و مادر بیخشنش را می شنود مادر از فرزندش می پرسد  
يَشْرَحُ الْفَرَسُ الْقِصَّةَ وَ تَسْمَعُ الْأُمُّ كَلَامَهُ. الْأُمُّ تَسْأَلُ وَ لَدَهَا:

نظرت چیست؟ آیا می توانی عبور کنی یانه؟ کی راست می گوید؟ کی دروغ می گوید؟  
« مَا هُوَ رَأْيُكَ؟ أ تَقْدِرُ عَلَى الْعُبُورِ أَمْ لَا؟ مَن يَصْدُقُ؟ وَ مَن يَكْذِبُ؟ »

اسب کوچک به سوالش پاسخ تداد... ولی بعد از دو دقیقه گفت:

مَا أَجَابَ الْفَرَسُ الصَّغِيرُ عَنِ سُؤْلِهَا ... لَكِنَّهُ قَالَ بَعْدَ دَقِيقَتَيْنِ:

اسب راست می گوید و سنجاب هم راست می گوید. گاو بزرگ و سنجاب کوچک است. هر  
«الْبَقَرَةُ تَصْدُقُ وَ السَّنَجَابُ يَصْدُقُ أَيْضًا. الْبَقَرَةُ كَبِيرَةٌ وَ السَّنَجَابُ صَغِيرٌ. كُلُّ  
كِدَامِ أَزْ أَنَّهُانظَرْتَنِي رَامِي گويد. موضوع را فهمیدم  
مِنْهُمَا يَقُولُ رَأْيَهُ. فَهَمَّتِ الْمَوْضُوعَ.»

اسب کوچک سخن مادرش را می فهمد و به رودخانه می رود و می بیند گاو و  
يَفْهَمُ الْفَرَسُ الصَّغِيرُ كَلَامَ أُمِّهِ وَ يَذْهَبُ إِلَى النَّهْرِ وَ يَشَاهِدُ الْبَقَرَةَ وَ

السَّنَجَابَ مَشْغُولَيْنِ بِالْجَدَلِ. سَنَجَابٌ مَشْغُولٌ جَرَوْحَتِ هَسْتَنْد

الْبَقَرَةُ: «أَنَا أَصْدُقُ وَ أَنْتَ تَكْذِبُ.» گاو: من راست می گویم و تو دروغ می گویی.

السَّنَجَابُ: «لَا؛ أَنَا أَصْدُقُ وَ أَنْتَ تَكْذِبِينَ.» سَنَجَابٌ: من راست می گویم و تو دروغ می گویی.

يَعْبُرُ الْفَرَسُ ذَلِكَ النَّهْرَ بِسُهُولَةٍ؛ اسب به آسانی از آن رودخانه عبور می کند

ثُمَّ يَرْجِعُ وَ يَفْرَحُ لِلتَّجْرِبَةِ الْجَدِيدَةِ. سپس برمی گردد و خوشحال می شود برای تجربه تازه

تمهیه کننده: مسعود حیدری گروه عربی شهرستان هاشم

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ ← (يَفْعَلُ ، تَفْعَلُ) ، (تَفْعَلُ)



تِلْكَ الْمَرْأَةُ تَنْفَعُ أُسْرَتَهَا.  
آن زن به خانواده اش سود می رساند



هَذَا الْوَلَدُ الصَّغِيرُ يَلْعَبُ بِسَيَّارَتِهِ.  
این پسر کوچک با ماشین بازی می کند











نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ.  
ما به خانه ی خدای رویم



نَحْنُ نَقْرَأُ الْقُرْآنَ.  
ما قرآن می خوانیم

به مقایسه فعل‌های عربی و فارسی زیر توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
او انجام می‌دهد.	 <p>هُوَ يَفْعَلُ.</p> <p>سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب)</p>	او انجام داد.	 <p>هُوَ فَعَلَ.</p> <p>سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب)</p>
	 <p>هِيَ تَفْعَلُ.</p> <p>سوم شخص مفرد (مفرد مؤنث غایب)</p>		 <p>هِيَ فَعَلَتْ.</p> <p>سوم شخص مفرد (مفرد مؤنث غایب)</p>
ما انجام می‌دهیم.	 <p>نَحْنُ نَفْعَلُ.</p> <p>اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)</p>	ما انجام دادیم.	 <p>نَحْنُ فَعَلْنَا.</p> <p>اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)</p>
	 <p>اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)</p>		 <p>اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)</p>

يَ، تَ، نَ + فعل = يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، نَفْعَلُ

از کجا بدانیم معنای «تَعْمَلُ» در دو جمله زیر چیست؟



هَذِهِ الْبِنْتُ تَعْمَلُ فِي الْمُخْتَبِرِ.  
این دختر در آزمایشگاه کار می‌کند.



يَا نَجَّارُ، أَنْتَ تَعْمَلُ جَيِّدًا.  
ای نجار، تو خوب کار می‌کنی.

جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. أَنْتَ تَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَوَالِدُكَ تَجْلِسُ عَلَى الْكُرْسِيِّ.

تو بر زمین می نشینی و مادرت بر صندلی می نشینی

۲. أُخْتِي تَقُولُ لِي: «يَا أَخِي، أَأَنْتَ تَقُولُ الْحَقَّ؟»

خواهرم به من می گوید: ای برادر آیا تو حق (راست) می گویی؟

## الْتَّمَارِين

### ۱ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- |                                     |                                     |   |
|-------------------------------------|-------------------------------------|---|
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۱. طَلَبْتُ أُمَّ الْفَرَسِ مِنْ وَلَدِهَا حَمَلٌ حَقِيْبَةً مَمْلُوءَةً بِالذَّهَبِ. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۲. قَالَتْ أُمُّ الْفَرَسِ: «الْبَقْرَةُ كَبِيْرَةٌ وَالسَّنَجَابُ صَغِيْرٌ.»         |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۳. قَالَتْ الْبَقْرَةُ لِلْفَرَسِ: «أَنْتَ تَعْرَقُ فِي النَّهْرِ.»                   |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> | ۴. أَلْسَنَجَابٌ وَ الْبَقْرَةُ صَادِقَانِ فِي كَلَامِهِمَا.                          |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> | ۵. عَبَرَ الْفَرَسُ النَّهْرَ بِسَهْوَلَةٍ.   |

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



هَذِهِ الْمَرَأَةُ تَغْسِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ.  
این زن قبر شهیدان را می‌شوید.



هَذَا الرَّجُلُ يَغْسِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ.  
این مرد قبر شهیدان را می‌شوید.



نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْجَبَلِ لِحِفْظِ نَظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.  
ما برای حفظ پاکیزگی طبیعت به کوه می‌رویم.



### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های مضارع خط بکشید.

۱. ﴿وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾ لقمان: ۱۲

وهر کس شکر کند پس فقط برای خودش شکر می‌کند

۲. أَأَنْتَ تَجْمَعُ الْأَشْجَابَ أَمْ أَخُتُّكَ تَجْمَعُ؟

آیا تو چوبهار را جمع می‌کنی یا خواهرت جمع می‌کند

۳. جَدِّي مَا طَلَبَ مِنَّا مُسَاعَدَةً وَجَدَّتِي تَطْلُبُ الْمُسَاعَدَةَ.

پدر بزرگم از ما کمکی نخواست و مادر بزرگم کمک می‌خواهد

۴. وَالِدُنَا يَعْمَلُ فِي الْمَصْنَعِ وَالِدَتُنَا تَعْمَلُ فِي الْمَكْتَبَةِ.

پدرمان در کارخانه کار می‌کند و مادرمان در کتابخانه کار می‌کند

### ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

عربی	فارسی	عربی	فارسی
قَدَرْتَ	توانستی	مَا قَدَرْتَ	نتوانستی
يَسْأَلُ	می‌پرسد	سَيَسْأَلُ	خواهد پرسید
نَفَتْحُ	باز می‌کنیم	سَوْفَ نَفْتَحُ	خواهیم گشود
طَرَقْتُ	کوبید	تَطْرُقُ	می‌کوبد
فَهِمْتُ	فهمیدم	سَأَفْهَمُ	خواهم فهمید
شَرَبْنَا	نوشیدیم	نَشْرَبُ	می‌نوشدیم

## ٥ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

١. هَلْ ..... ذَلِكَ الْمُدْرَسَ يَا أَخِي؟  
 تَعْرِفُ  تَعْرِيفِنَ
٢. أَأَنْتِ ..... إِلَى الْمُخْتَبِرِ وَحَدِكَ يَا أُخْتِي؟  
 تَذْهَبُ  تَذْهَبِينَ
٣. نَحْنُ ..... إِلَى الْبُسْتَانِ قَبْلَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.  
 ذَهَبْنَا  سَنَذْهَبُ
٤. أَنَا سَوْفَ ..... إِلَى بِلَادِي فِي الْأَسْبُوعِ الْقَادِمِ.  
 أَرْجِعُ  رَجَعْتُ
٥. الْأَعَاقِلُ ..... إِلَى الْيَسَارِ وَالْيَمِينِ ثُمَّ يَعْبُرُ الشَّارِعَ.  
 تَنْظُرُ  يَنْظُرُ

## ٦ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.



..... فی.....	أَيْنَ بَيْتِكَ؟	١. أَيْنَ بَيْتِكَ؟
..... قلم كتاب	ماذا في يَدِكَ؟	٢. ماذا في يَدِكَ؟
..... سنة	كَمْ صَفًّا فِي مَدْرَسَتِكَ؟	٣. كَمْ صَفًّا فِي مَدْرَسَتِكَ؟
..... نعم	أَتَعْرِفِينَ مَدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ؟	٤. أَتَعْرِفُ مَدِيرَ الْمَدْرَسَةِ؟
..... لا	هَلْ أَنْتِ فِي الْمَكْتَبَةِ؟	٥. هَلْ أَنْتِ فِي الْمَكْتَبَةِ؟

## كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.

خیری نیست در سخن مگر با عمل کردن

۲. أَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَالْكَلامُ فِضَّةٌ.

خاموشی (سکوت) طلاست و سخن گفتن نقره است

۳. أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ.

بیشتر گناهان آدمی در زبانش است

۴. أَلْكَلامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

سخن مانند داروست اندکش سود می رساند و زیادش کشنده است

۵. عَضَبُ الْجَاهِلِ فِي قَوْلِهِ وَعَضَبُ الْعَاقِلِ فِي فِعْلِهِ.

خشم نادان در زبانش است و خشم دانا در (عملش) کارش است

حدیث اول تا سوم از پیامبر اسلام ﷺ و حدیث چهارم و پنجم از حضرت علی علیه السلام است.



تمهیه کننده: مسعود حیدری گروه عربی دانشمندان دانشجو

## ساختار درس های دوم تا چهارم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما برمی گردیم .	نَحْنُ نَرْجِعُ.	من برمی گردم .	أَنَا أَرْجِعُ.
شما برمی گردید .	درس های ۶ و ۷	تو برمی گردی .	أَنْتَ تَرْجِعُ. أَنْتِ تَرْجِعِينَ.
آنها برمی گردند .	درس های ۸ و ۹	او برمی گردد .	هُوَ يَرْجِعُ. هِيَ تَرْجِعُ.

تحقیق کنید و چند بیت شعر یا جمله حکیمانه به عربی درباره پیام درس بیابید.

تحقیق کنید

## حَواِرُ بَيْنَ زَائِرِينَ فِي طَرِيقِ كَرْبَلَاءَ

### گفتگویی بین زائران در راه کربلا

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: أَأَنْتَ تَعْرِفُ مَتَى نَصَلُ إِلَى كَرْبَلَاءَ؟ أَيَا تُو مِي دَانِي چِه وقت به کربلا می رسیدم؟

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: نَعَمْ؛ بَعْدَ سَاعَةٍ. أَأَنْتَ جِئْتَ مِنْ إِيرَانِ؟  
بله؛ بعد از یک ساعت. آیاتواز ایران آمدی؟

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: نَعَمْ؛ أَنَا مِنْ إِيرَانِ. بَلَه؛ مِنْ أَزْ إِيرَانِم

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: وَ مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ؟ وَ أَزْ كَدَامَ شَهْرٍ؟

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: مِنْ مَدِينَةِ قُومِ. أَأَنْتَ جِئْتَ إِلَى إِيرَانِ أَيْضاً؟  
از شهر قوم. آیاتو هم به ایران آمدی؟

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: نَعَمْ؛ جِئْتُ مَرَّتَيْنِ إِلَى إِيرَانِ وَ شَاهَدْتُ الْمُدْنَ الْمُقَدَّسَةَ.

بله؛ دوبار به ایران آمدم و شهرهای مقدس را دیدم

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: كَيْفَ كَانَتْ سَفَرَتُكُمْ إِلَى إِيرَانِ؟ سَفَرِشَمَا بَه إِيرَانِ چِگونه بود؟

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: كَانَتْ طَيِّبَةً؛ لِأَنَّ الشَّعْبَ الْإِيرَانِيَّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ.

خوب بود؛ زیرا ایرانی هامردم میهمان نواز هستند

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: وَ كَذَلِكَ الشَّعْبُ الْعِرَاقِيُّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ.  
و مردم عراق هم مردم میهمان نوازی هستند

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: الْحَمْدُ لِلَّهِ. أَ تَذْهَبُ إِلَى كَرْبَلَاءَ؟

سپاس خدا را. آیا به کربلا می روی؟

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: نَعَمْ؛ أَنَا أَمْشِي مِنَ النَّجَفِ إِلَى كَرْبَلَاءَ. بَلَه؛ مِنْ أَزْ نَجَفِ بَه كَرْبَلَا پِياده می روم

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: أَنْتَ صَيِّفْنَا الْعَزِيزُ فِي مَوْكِبِ الْإِمَامِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَرَجَعَ.

تو میهمان عزیز ما در موکب امام رضا (ع) هستی تا برگردی

خوشا به حال مردم عراق برای این میهمانی  
الرَّائِدُ الْإِيرَانِيُّ: طوبى للشعب العراقي لهذه الضيافة!

الرَّائِدُ الْعِرَاقِيُّ: نَحْنُ فِي خِدْمَةِ الْمُجَبِّينَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ما در خدمت دوستان اهل بیت هستیم



تمیبه کننده: مسعود حیدری گروه عربی شهرستان ماهشهر

